



۲۰۱۶/۰۳/۲۰



م. نسیم اسیر
ملک الشعراء افغانها در هجرت

اشکی بر تابوت فرخنده!!

سقوط در پرتگاه وحشت!!!

این نوشته عالی شعر مملو از احساس انسانی و افغانی محترم ملک الشعراء اسیر، ۷ روز بعد از فاجعه قتل دختر بیگناه، بی پناه و مظلوم افغان "فرخنده" (۲۰۱۵/۰۳/۲۸) که هنوز معلومات دقیقی از جریان کشتار وحشیانه آن هموطن مظلوم و بی دفاع در دست نبود، تحریر گردیده است

در محنتکده افغانستان، از ضعف دولت، همه امور، ملعبه دست همگان شده است. محکمه صحرایی اخیر و به آتش کشیدن بی موجب یک دختر جوان بنام فرخنده، نمونه بارزی از وحشت و جنون خود سری است که متأسفانه شهر



نشینان کابل به زعم خود در راه خدا انجام دادند. «فرخنده» معصوم و بی گناه امروز به خاک سپرده شد، لکه ننگینی در دامن عاملین این فاجعه تا ابد باقی ماند و صفحه درخشان تاریخ ما مکرر گردید.

من در کنار سوگواران این شهید دست جهالت، با سروده ای، این فاجعه نفرت انگیز را شدیداً تقبیح می کنم:

با تو از این خاکدان، دارم نیاز
از بشر، در شر، شکایت می کنم
خصلت ما بدتر از حیوان بود
گرگ آسارمه ها را می دریم
نفی حکم آسمانی می کنیم
تیره گردد آفتاب و ماهتاب
مهر و انجم، روی گردان می شود
یا نصیب شان ترور و وحشت است؟
لکه این ننگ از ما دور کن
تا نباشد بیش ازین جنگ و ستیز

ای خدای بی نیاز و کار ساز
اشک ریزان این حکایت می کنم
گرچه نام پاک ما، انسان بود
گر بگردد خوی ما، چون اژدریم
می دریم و شادمانی می کنیم
بسکه انسان را گناه است و عقاب
آسمان از ما گریزان می شود
این مذلت قسمت این ملت است؟
گوشه چشمی به این محصورکن
آب رحمت بر زمین ما بریز

م. نسیم اسیر ۲۲ مارچ ۱۵م، فرانکفورت

